



مجله الکترونیک تولید گیاهان زراعی  
جلد چهارم، شماره چهارم، زمستان ۹۰  
۱۷۷-۱۹۴  
ejcp.gau@gmail.com



## اثر منابع آلی و شیمیایی نیتروژن بر صفات کمی و کیفی سه رقم کلزای زمستانه در اراک

\*زین العابدین طهماسبی سروسنانی<sup>۱</sup> و معرفت مصطفوی راد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس، دانش آموخته دوره دکتری رشته زراعت  
دانشگاه تربیت مدرس و عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اراک  
تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۱/۳۰

### چکیده

به منظور مطالعه اثرات منابع آلی و شیمیایی نیتروژن بر صفات کمی و کیفی سه رقم کلزای زمستانه، آزمایشی در سال زراعی ۱۳۸۸ - ۱۳۸۷ در مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان مرکزی (اراک) به صورت فاکتوریل با طرح پایه بلوک‌های کامل تصادفی و در سه تکرار انجام شد. تیمارها شامل ارقام کلزا در سه سطح V1 (اوکاپی)، V2 (مودنا) و V3 (لیکورد) و منابع نیتروژن شامل سه سطح N1 (کمپوست آزولا)، N2 (۵۰٪ آزوکمپوست+۵۰ درصد اوره) و N3 (اوره) بودند. کود آزوکمپوست قبل از زمان کاشت استفاده شد و کود اوره در سه مرحله شامل زمان کاشت، طول شدن ساقه و قبل از گلدهی مصرف شد. نتایج نشان داد که ارقام از لحاظ کلیه صفات مورد مطالعه متفاوت بودند. رقم لیکورد بیشترین عملکرد دانه، وزن هزار دانه، تعداد دانه در خورجین‌های فرعی، عملکرد زیست توده و عملکرد روغن را داشت. همچنین بین منابع مختلف نیتروژن از نظر تمامی صفات اختلاف معنی‌دار در سطح احتمال یک درصد وجود داشت. تیمار نیتروژن تلفیقی از نظر تعداد خورجین در ساقه اصلی، تعداد خورجین در ساقه فرعی، عملکرد زیست توده، عملکرد دانه و عملکرد روغن بر تیمارهای دیگر برتری نشان داد. برهمکنش منابع نیتروژن و ارقام کلزا بر تمامی صفات اندازه‌گیری شده در سطح احتمال یک درصد معنی‌دار بود. رقم لیکورد با نیتروژن تلفیقی بیشترین عملکرد زیست توده، شاخص برداشت و عملکرد دانه را نشان داد.

واژه‌های کلیدی: آزوکمپوست، اوره، صفات کمی و کیفی و کلزا

\* مسئول مکاتبه: tahmaseb@modares.ac.ir

## مقدمه

کلزا با داشتن بیش از ۴۰ درصد روغن دانه و کنجاله سرشار از پروتئین، از دانه‌های روغنی عمده جهان در دهه‌های اخیر به‌شمار می‌رود. سطح زیر کشت کلزا در جهان از ۸/۲ میلیون هکتار در سال ۱۹۷۰ به بیش از ۳۰/۲ میلیون هکتار تا سال ۲۰۰۷ افزایش یافته است و با تولید جهانی بیش از ۴۹/۴ میلیون تن دانه، در بین دانه‌های روغنی پس از سویا مقام دوم را دارا می‌باشد (فائو، ۲۰۰۷). برای دستیابی به عملکرد بالا در زراعت کلزا، مدیریت و حفظ کمیت و کیفیت منابع و استفاده صحیح و مطلوب از آنها ضرورت دارد (وراوی‌پور، ۲۰۰۶). یکی از راه‌کارهای مهم در راستای حفظ محیط‌زیست و دستیابی به توسعه پایدار، کاهش مصرف کودهای شیمیایی از طریق بهینه‌سازی کاربرد مصرف نهاده‌های مزبور و تلفیق آنها با کودهای آلی می‌باشد. بررسی‌ها نشان داده‌اند که منابع ارگانیک مانند کود دامی، کمپوست و کود سبز و غیره در تلفیق با کودهای شیمیایی می‌تواند به افزایش حاصل‌خیزی خاک و تولید محصول منجر شود، زیرا این مواد اکثر نیازهای غذایی گیاه را تأمین کرده و کارایی جذب مواد غذایی توسط محصول را افزایش می‌دهند (پارمر و شارما، ۱۹۹۸).

کاربرد تلفیقی کودهای آلی و شیمیایی باعث ایجاد ثبات و پایداری بیشتر تولید محصول در مقایسه با کاربرد کودهای شیمیایی می‌شود (رامشوار و سینگ، ۱۹۹۸). کلزای زمستانه مقادیر بیشتری از مواد غذایی و نیتروژن در مقایسه با غلات نیاز دارد و استفاده از کود نیتروژن برای تولید عملکرد بهینه ضروری می‌باشد (راتک و همکاران، ۲۰۰۵). کمپوست به عنوان منبع نیتروژن و دیگر عناصر غذایی به خاک حیات می‌بخشد و سال‌ها به تغذیه گیاهان بعدی کمک می‌کند (علی‌خان و حسین‌خان، ۲۰۰۶). در این پژوهش آزولا برای اولین بار در زراعت کلزا به صورت کود آلی فرآوری شده تحت عنوان آزو کمپوست به‌کار گرفته می‌شود و دارای مزیت‌هایی از قبیل بالا بودن درصد نیتروژن ماده خشک، دسترسی آسان به ماده گیاهی، استقرار سریع گیاه، رشد و توسعه سریع آن در مقایسه با سایر منابع تولید کمپوست گیاهی می‌باشد. بدین ترتیب آزو کمپوست می‌تواند نقش بسزایی در تأمین نیتروژن مورد نیاز گیاهان زراعی نظیر کلزا داشته باشد. نتایج نشان داده است که کاربرد تلفیقی کود آلی و شیمیایی تولید محصول برنج را در هندوستان حدود ۱۱۸ درصد افزایش داد (پلتونین و همکاران، ۱۹۹۵). بالاترین میانگین عملکرد دانه کلزا در روش تلفیقی کود شیمیایی و کود دامی گزارش شده است (سیلینگ و همکاران، ۱۹۹۸). نتیجه کاربرد تلفیقی برخی از کودهای آلی و شیمیایی

### زین العابدین طهماسبی سروسناتی و معرفت مصطفوی راد

در بسیاری از زراعت‌ها نظیر سویا و سورگوم (گوش و همکاران، ۲۰۰۴)، پنبه (خلیق و همکاران، ۲۰۰۶) و کلزا (صباحی، ۲۰۰۶) مثبت ارزیابی شده است. مهم‌ترین هدف در اصلاح ارقام کلزا، افزایش عملکرد دانه و روغن می‌باشد (ژانگ و ژائو، ۲۰۰۶). اجزای تعیین کننده عملکرد شامل تعداد خورجین در بوته، تعداد دانه در خورجین و وزن هزار دانه می‌باشد (علی و همکاران، ۲۰۰۳). تایلور و همکاران (۱۹۹۱) در کلزا نشان دادند که مصرف نیتروژن در هر دو سال زراعی از طریق افزایش تعداد خورجین در واحد سطح، عملکرد دانه را افزایش داد. روشن ضمیر و همکاران (۲۰۰۶) دریافتند که کاربرد کود آلی سبب افزایش عملکرد دانه و وزن هزار دانه در گلرنگ شد. حسن زاده قورت تپه (۲۰۰۵) گزارش کرده است که تاثیر کودهای آلی، شیمیایی و سیستم تلفیقی بر خصوصیات کمی و کیفی آفتابگردان نظیر عملکرد دانه، تعداد دانه در طبق و وزن هزار دانه معنی‌داری بود. هدف از انجام این تحقیق بررسی اثرات کود آلی آزوکمپوست و تغذیه تلفیقی در مقایسه با کود شیمیایی اوره بر صفات مهم زراعی در سه رقم کلزای زمستانه و امکان تامین بخشی از نیتروژن مورد نیاز کلزا از منبع آلی تجدیدپذیر آزوکمپوست بود.

### مواد و روش‌ها

این آزمایش در سال زراعی ۱۳۸۸-۱۳۸۷ در ایستگاه تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان مرکزی (اراک) واقع در عرض جغرافیایی ۳۴ درجه و ۵ دقیقه شمالی و طول جغرافیایی ۴۹ درجه و ۴۲ دقیقه شرقی و ارتفاع ۱۷۷۵ متر از سطح دریا به صورت فاکتوریل با طرح پایه بلوک‌های کامل تصادفی و در سه تکرار انجام شد. تیمارها شامل ارقام کلزا در سه سطح V1 (اوکاپی)<sup>۱</sup>، V2 (مودنا)<sup>۲</sup> و V3 (لیکورد)<sup>۳</sup>، و منابع نیتروژن در سه سطح N1 (آزوکمپوست با ۳/۹ درصد نیتروژن بر حسب ماده خشک، فرآوری شده در شرکت تحقیقاتی تولیدی سالم‌ساز محیط گیل در استان گیلان)<sup>۴</sup>، N2 (۵۰ درصد آزوکمپوست + ۵۰ درصد اوره) و N3 (اوره) بر مبنای ۱۵۰ کیلوگرم نیتروژن خالص در هکتار بودند. خاک مزرعه آزمایشی دارای بافت رسی‌سیلتی، اسیدیته ۷/۸، هدایت الکتریکی ۰/۸ دسی‌زیمنس بر متر، میزان نیتروژن کل، فسفر و پتاسیم قابل جذب

- 1- Okapi
- 2- Modena
- 3- Licord
- 4- Azocompost

به ترتیب برابر ۰/۰۵ درصد، ۱/۶ و ۳۲۵ میلی گرم در کیلوگرم خاک و کربن آلی خاک ۰/۴۹ درصد بود. هر کرت شامل ۲ پشته ۶۰ سانتی متری و ۶ خط کشت به فاصله ۱۵ سانتی متر و به طول ۵ متر بود. در این آزمایش، ابتدا پشته‌ها به وسیله یک لوله فلزی که به پشت تراکتور بسته شده بود تا حد امکان پهن شدند و بذرها ی کلزا به وسیله بذرکار آزمایشی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اراک به طور هم‌زمان در ۶ ردیف کشت گردیدند. به علاوه آبیاری به روش سیفونی و به آرامی انجام شد. به طوری که آب از یک طرف وارد جوی کرت‌ها شده و از طرف دیگر وارد جوی فاضلاب می‌شد و مرطوب شدن کامل پشته‌ها در اثر خاصیت کاپیلاری و مکش انجام گرفت.

پس از آماده‌سازی زمین، براساس نتایج آزمون تجزیه خاک مقدار ۷۵ کیلوگرم فسفر خالص در هکتار از منبع کود سوپر فسفات تریپل و مقدار ۱۵۰ کیلوگرم کود نیتروژن خالص از منابع آزوکمپوست و اوره استفاده شد و تمامی کود سوپر فسفات تریپل و ۱/۵ لیتر در هکتار سم علف‌کش ترفلان به طور یکنواخت در سطح مزرعه پخش و بوسیله یک دیسک سبک با خاک مخلوط گردید. کود آزوکمپوست (در تیمار آلی و تلفیقی) و یک سوم کود اوره (در تیمار شیمیایی) قبل از ایجاد پشته به طور یکنواخت در سطح کرت‌های مربوطه پخش شد و سپس پشته‌ها ایجاد گردید. در تیمار شیمیایی یک سوم کود اوره در مرحله ساقه‌دهی و یک سوم باقیمانده در مرحله شروع غنچه‌دهی و در تیمار تلفیقی نصف کود اوره در مرحله ساقه‌دهی و نصف باقیمانده در مرحله شروع غنچه‌دهی به صورت سرک استفاده شد. عملیات مبارزه با علف‌های هرز و آفت شته مومی بر اساس روش‌های متداول انجام شد. در طول دوره پر شدن دانه‌ها تا رسیدگی کامل از هر کرت به طور تصادفی ۱۰ بوته کف‌بر گردید و صفاتی نظیر ارتفاع بوته، تعداد شاخه‌های فرعی، تعداد خورجین در ساقه اصلی، تعداد خورجین در شاخه‌های فرعی، تعداد خورجین در گیاه و تعداد دانه در خورجین، یادداشت برداری شد. پس از رسیدگی با حذف حاشیه، محصول کلزا در سطحی معادل ۲/۴ متر مربع با دست برداشت و پس از یک هفته خشک شدن در شرایط مزرعه، خرمکوبی انجام شد و میزان عملکرد دانه در هکتار بر اساس رطوبت ۱۲ درصد و میزان روغن و پروتئین دانه‌های آسیاب شده کلزا بر اساس انعکاس نور مادون قرمز با دستگاه اینفراماتیک<sup>۱</sup> برآورد گردید (فرجی، ۲۰۰۶). تجزیه داده‌ها با استفاده از برنامه آماری SAS و مقایسه میانگین‌ها به روش LSD انجام گرفت.

## نتایج و بحث

نتایج نشان داد که برای تمامی صفات مورد مطالعه تفاوت بین ارقام کلزا بسیار معنی‌دار بود (جدول ۱). امیدی و همکاران (۲۰۰۲) و عطایی و همکاران (۲۰۰۶) در مطالعه بر روی ارقام کلزا گزارش کردند که اثر رقم بر صفاتی مانند تعداد خورجین در بوته، تعداد دانه در خورجین و وزن هزار دانه معنی‌دار است. در این آزمایش منابع نیتروژن نیز تأثیر معنی‌داری بر تمامی صفات مورد مطالعه داشت. همچنین برهمکنش ارقام کلزا و منابع نیتروژن بر تمامی صفات مورد مطالعه بسیار معنی‌دار بود (جدول ۱). در این رابطه نشان داده شده است که تفاوت‌های معنی‌داری بین ژنوتیپ‌های کلزا از نظر جذب و به‌کارگیری نیتروژن از منابع مختلف وجود دارد (سونجک و رنگل، ۲۰۰۶).

در این تحقیق، افزایش وزن هزار دانه و در نتیجه تخصیص بخش زیادی از مواد پرورده به دانه و افزایش شاخص برداشت از عوامل مهم افزایش عملکرد دانه در رقم لیکورد در مقایسه با ارقام دیگر بود، که این موضوع بیانگر نقش مهم وزن هزار دانه و شاخص برداشت در افزایش عملکرد رقم لیکورد و همچنین وجود تفاوت ژنتیکی بین ارقام کلزا و در نتیجه قابلیت بیشتر رقم لیکورد در استفاده از منابع رشد در جهت افزایش عملکرد دانه در واحد سطح می‌باشد. از طرفی قدرت زمستان‌گذرانی و تولید گیاهان بالغ در واحد سطح در رقم لیکورد بیشتر از ارقام دیگر بود و بدین ترتیب عملکرد بیشتری داشت. در این تحقیق رقم مودنا بیشترین تعداد خورجین در ساقه اصلی، تعداد خورجین در شاخه‌های فرعی و درصد روغن دانه را داشت و از نظر عملکرد دانه در رتبه دوم قرار داشت. رقم اوکاپی از نظر تعداد دانه در خورجین و درصد پروتئین دانه بر سایر ارقام برتری و کمترین عملکرد دانه را نشان داد. به دلیل بالا بودن برخی از اجزای عملکرد به نظر می‌رسد که کاهش عملکرد دانه در ارقام مودنا و اوکاپی ناشی از محدودیت مواد فتوسنتزی (منبع) باشد (جدول ۲). علی و همکاران (۲۰۰۳) اثر وزن هزار دانه بر عملکرد دانه کلزا را مهم و شاخص خوبی برای اصلاح عملکرد دانه کلزای پاییزه ارزیابی کردند محققین. دیگری نیز دریافته‌اند که بین ارقام مختلف کلزا تفاوت آماری معنی‌داری از نظر شاخص برداشت وجود دارد و ارقامی که عملکرد دانه بیشتری داشتند از شاخص برداشت بیشتری برخوردار بودند (چانگو و مک وتی، ۲۰۰۱) و ارتقاء عملکرد دانه کلزا در آینده بستگی به افزایش شاخص برداشت خواهد داشت (دیینبروک، ۲۰۰۰). نتایج تحقیقات متعدد نشان داده است که ارقام مختلف کلزا از نظر عملکرد دانه، متفاوت بودند (کنت و جانسون، ۲۰۰۴؛ گونازکرا و همکاران، ۲۰۰۶؛ والتون، ۲۰۰۴). احمدزاده و همکاران (۲۰۰۷) نیز دریافته‌اند تعداد خورجین در بوته،

وزن هزار دانه، عملکرد دانه، عملکرد زیست توده و عملکرد روغن در ارقام مختلف کلزا، اختلاف معنی دار داشتند، ولی بر خلاف نتایج این تحقیق از نظر درصد روغن اختلاف معنی دار وجود نداشت. با این وجود، دانشور (۲۰۰۶) نشان داد که ارقام کلزا از نظر درصد روغن تفاوت معنی دار دارند که موید نتایج حاصل از این آزمایش است.

منابع مختلف نیتروژن نیز از نظر تمامی صفات اندازه گیری شده تفاوت معنی دار در سطح احتمال یک درصد داشتند (جدول ۱)، که بیانگر تفاوت کارایی مصرف کود در نظام های کشاورزی متداول، سیستم تغذیه تلفیقی و آلی است (کرامر و همکاران، ۲۰۰۲). تیمار تلفیقی از نظر تعداد خورجین در ساقه اصلی، تعداد خورجین در شاخه های فرعی، عملکرد زیست توده، عملکرد دانه و عملکرد روغن بر تیمارهای دیگر برتری نشان داد. در روش تغذیه تلفیقی هر چند که شاخص برداشت و وزن هزار دانه اندکی کاهش پیدا کردند ولی این روش از طریق افزایش توأم رشد رویشی و رشد زایشی (تعداد خورجین در ساقه اصلی و شاخه های فرعی) عملکرد دانه در واحد سطح را ارتقاء داد. این موضوع بیانگر وجود ساز و کار جبرانی بین اجزای عملکرد دانه کلزا (جنسن و همکاران، ۱۹۹۶) و همچنین تأثیرپذیری عملکرد دانه کلزا از تعداد خورجین در بوته می باشد (باسالما، ۲۰۰۸). به علاوه برخی محققین عقیده دارند که تعداد خورجین در گیاه فاکتور تعیین کننده در افزایش عملکرد دانه کلزا می باشد (اکبر و همکاران، ۲۰۰۳). بدین ترتیب به نظر می رسد که سهم هر یک از اجزای عملکرد در ارتقاء عملکرد دانه کلزا در شرایط مختلف زراعی، متفاوت می باشد. در تیمار آزوکمپوست نیز عملکرد زیست توده، تعداد خورجین در ساقه اصلی و شاخه های فرعی، کاهش یافت و تعداد دانه در خورجین و وزن هزار دانه افزایش نشان داد. بدین ترتیب می توان دریافت که بالا بودن وزن هزار دانه و شاخص برداشت برای افزایش عملکرد دانه کلزا لازم است ولی کافی نیست و کارایی اجزای عملکرد کلزا در ارتقاء عملکرد دانه تحت تأثیر نظام های مختلف تغذیه، قرار گرفته و تغییر می کند. افزایش عملکرد دانه کلزا در روش تلفیقی با نتایج حسن زاده قورت تپه (۲۰۰۵)، گوش و همکاران (۲۰۰۴)، خلیق و همکاران (۲۰۰۶) و صباحی (۲۰۰۶) مطابقت داشت. کمترین میزان عملکرد دانه (۳۱۳۴ کیلوگرم در هکتار) و عملکرد روغن (۱۳۴۷ کیلوگرم در هکتار) به تیمار آزوکمپوست اختصاص داشت. همچنین تیمار اوره کمترین تعداد خورجین در ساقه اصلی، تعداد خورجین در شاخه های فرعی، تعداد دانه در خورجین و عملکرد بیولوژیک و بیشترین درصد پروتئین دانه را دارا بود (جدول ۲). به طور کلی

### زین العابدین طهماسبی سروسناری و معرفت مصطفوی راد

مصرف زیاد نیتروژن می‌تواند میزان پروتئین بذر را افزایش و درصد روغن را کاهش دهد (بارکر و سویر، ۲۰۰۵). صباحی (۲۰۰۶) در مطالعه خود بر روی کلزا نشان داد که شاخص برداشت و عملکرد دانه در تیمار تلفیقی در مقایسه با تیمار شیمیایی بیشتر بود. محققین در تحقیقات خود بر روی خردل (*Brassica Juncea L.*) بیشترین عملکرد دانه و عملکرد زیست توده را در تلفیق کودهای شیمیایی و دامی بدست آوردند (رول و همکاران، ۲۰۰۵).

جدول ۱- تجزیه واریانس صفات اندازه گیری شده برای ارقام کلزا و منابع مختلف نیتروژن

منابع تغییر	درجه آزادی	عملکرد دانه	عملکرد زیست توده	شاخص برداشت	تعداد خورجین در ساقه اصلی	تعداد خورجین در شاخه‌های فرعی
بلوک (R)	۲	۴۳۱ <sup>ns</sup>	۱۳۰۱۸ <sup>ns</sup>	۰/۲۳۴ <sup>ns</sup>	۰/۰۸۳۳۳ <sup>ns</sup>	۲۰/۲۴۰۳ <sup>ns</sup>
رقم (V)	۲	۶۱۹۳۵۱ <sup>**</sup>	۲۳۸۴۶۹۰ <sup>**</sup>	۹/۱۵۸۳ <sup>**</sup>	۱۲۶/۸۱۴۴ <sup>**</sup>	۳۳۰۴۳/۰۶۰۳ <sup>**</sup>
منبع نیتروژن (N)	۲	۲۰۳۰۳۷ <sup>**</sup>	۱۵۳۴۱۷۴ <sup>**</sup>	۱۱/۶۷۴۶ <sup>**</sup>	۸۵/۱۲۰ <sup>**</sup>	۲۳۱۳۲/۲۸۲۵ <sup>**</sup>
اثر متقابل V×N	۴	۱۱۳۱۹۷ <sup>**</sup>	۸۳۷۰۹۷ <sup>**</sup>	۸/۴۶۷۹ <sup>**</sup>	۹۴/۳۹۴۴ <sup>**</sup>	۴۶۹۹/۹۳۵۳ <sup>**</sup>
اشتباه آزمایشی (E)	۱۶	۳۲۹/۰۷	۳۰۳۷۰/۰۷	۰/۲۹۲	۰/۱۲۷	۲۷/۰۶
ضریب تغییرات (درصد)	-	۰/۵۵	۱/۶۳	۱/۷۵	۱/۱۲	۲/۲۲

ns: غیر معنی دار \* : معنی دار در سطح احتمال ۵ درصد \*\* : معنی دار در سطح احتمال ۱ درصد

### ادامه جدول ۱-

منابع تغییر	درجه آزادی	تعداد خورجین در بوته	تعداد دانه در خورجین	وزن هزار دانه	درصد روغن دانه	درصد پروتئین دانه	عملکرد روغن
بلوک (R)	۲	۰/۹۳۰۳ <sup>ns</sup>	۰/۰۵۰۷ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۰۶۷ <sup>ns</sup>	۰/۰۰۴۸۱ <sup>ns</sup>	۰/۰۲۸۱۴ <sup>ns</sup>	۸۶/۱ <sup>ns</sup>
رقم (V)	۲	۳۴۰۶۶/۹۴۹۳ <sup>**</sup>	۴۸/۲۲۵۵ <sup>**</sup>	۰/۰۸۲۲۳ <sup>**</sup>	۰/۴۷۱۴۸۱ <sup>**</sup>	۲۸/۴۰۱۴۸ <sup>**</sup>	۱۰۰۳۴۳/۸ <sup>**</sup>
منبع نیتروژن (N)	۲	۲۵۵۲۰/۷۴۷۰ <sup>**</sup>	۱۲/۹۲۱۵ <sup>**</sup>	۰/۰۱۹۳۸ <sup>**</sup>	۰/۴۲۴۸۱ <sup>**</sup>	۱/۰۲۹۲۵ <sup>**</sup>	۲۹۵۵۹/۴ <sup>**</sup>
اثر متقابل V×N	۴	۵۴۶۶/۷۹۰۳ <sup>**</sup>	۳/۷۳۵۵ <sup>**</sup>	۰/۰۲۴۱ <sup>**</sup>	۰/۹۸۲۵۹۲ <sup>**</sup>	۰/۹۸۲۵۹۲ <sup>**</sup>	۱۹۸۹۸/۲ <sup>**</sup>
اشتباه آزمایشی (E)	۱۶	۰/۳۶۳	۰/۰۶۶	۰/۰۰۰۴	۰/۰۱۲	۰/۰۱۸	۸۲/۶۱
ضریب تغییرات (درصد)	-	۰/۲۳	۱/۱۳	۰/۵۹	۰/۲۶	۰/۲۶	۰/۶۴

ns: غیر معنی دار \* : معنی دار در سطح احتمال ۵ درصد \*\* : معنی دار در سطح احتمال ۱ درصد

جدول ۲- مقایسه میانگین صفات اندازه‌گیری شده برای ارقام کلزا و منابع مختلف نیتروژن\*

رقم	عملکرد دانه (کیلوگرم بر هکتار)	زیست توده (کیلوگرم بر هکتار)	شاخص برداشت (درصد)	تعداد خورجین در شاخه‌های فرعی	تعداد خورجین در ساقه اصلی
اوکاپی	۳۱۴۰c	۱۰۴۹۳b	۲۹/۹۴c	۱۶۴/۴۴b	۲۷/۵۸c
مودنا	۳۱۶۶b	۱۰۳۳۷b	۳۰/۶۹b	۲۷۱/۷۹a	۳۴/۴۳a
لیکورد	۳۶۰۷a	۱۱۲۹۶a	۳۱/۹۴a	۲۶۶/۸۲a	۳۳/۶۶b
منبع نیتروژن					
آزوکمپوست	۳۱۳۴c	۱۰۴۷۸b	۲۹/۹۲c	۲۲۲/۰۶b	۳۲/۱۶b
روش تلفیقی	۳۴۱۸a	۱۱۱۸۵a	۳۰/۵۲b	۲۹۰/۰۷a	۳۴/۸۲a
اوره	۳۳۶۱b	۱۰۴۶۳b	۳۲/۱۲a	۱۹۰/۹۳c	۲۸/۶۹c

\* حروف مشابه در هر ستون، نشان دهنده عدم وجود اختلاف معنی دار بین میانگین‌ها در سطح احتمال ۵ درصد می‌باشد.

ادامه جدول ۲-

رقم	تعداد دانه در خورجین	وزن هزار دانه (گرم)	درصد روغن دانه	درصد روغن پروتئین دانه	عملکرد روغن (کیلوگرم بر هکتار)
اوکاپی	۲۵/۴۸a	۳/۵۰b	۴۲/۸۲b	۲۴/۶۷a	۱۳۴۵c
مودنا	۲۱/۲۵c	۳/۴۷c	۴۳/۰۱a	۲۱/۳۱c	۱۳۶۱b
لیکورد	۲۱/۷۳b	۳/۶۵a	۴۲/۵۶c	۲۴/۰۰b	۱۵۳۵a
منبع نیتروژن					
آزوکمپوست	۲۳/۶۱a	۳/۵۷a	۴۳/۰۲a	۲۳/۴۴b	۱۳۴۸c
روش تلفیقی	۲۳/۴۰a	۳/۴۹b	۴۲/۵۹c	۲۲/۹۴c	۱۴۵۵a
اوره	۲۱/۴۴b	۳/۵۷a	۴۲/۷۸b	۲۳/۵۹a	۱۴۳۷b

\* حروف مشابه در هر ستون، نشان دهنده عدم وجود اختلاف معنی دار بین میانگین‌ها در سطح احتمال ۵ درصد می‌باشد.

مولکی و همکاران (۲۰۰۴) نشان دادند که اثر مثبت کمپوست در افزایش عملکرد دانه ذرت بیش از کود دامی است. به علاوه اثر متقابل منابع نیتروژن و ارقام کلزا بر تمامی صفات اندازه‌گیری شده در سطح احتمال یک درصد معنی دار بود (جدول ۱) و بیشترین تعداد خورجین در ساقه اصلی و تعداد



خورجین در شاخه‌های فرعی و کمترین وزن هزار دانه به اثر متقابل تیمار تلفیقی و رقم مودنا و بالاترین شاخص برداشت، بیشترین عملکرد زیست توده، عملکرد دانه و عملکرد روغن به اثر متقابل تیمار تلفیقی و رقم لیکورد اختصاص داشت. این نتایج بیانگر برتری تغذیه تلفیقی در افزایش عملکرد کمی کلزا است (جدول ۳).

ارقام کلزا و منابع نیتروژن از نظر درصد روغن و پروتئین دانه تفاوت معنی‌دار داشتند و از نظر محتوی روغن و پروتئین دانه به ترتیب رقم مودنا و رقم اوکاپی برتر بودند (جدول ۲). به نظر می‌رسد که گزینش در جهت کاهش درصد پروتئین باعث افزایش درصد روغن گردد. همچنین بیشترین درصد روغن و پروتئین دانه به‌ترتیب در تیمار آزوکمپوست و کود اوره بدست آمد (جدول ۲). بارکر و سویر (۲۰۰۵) نیز نشان دادند که کودهای آلی درصد روغن و کودهای شیمیایی نیتروژن، میزان پروتئین دانه را افزایش دادند. در حالی که بیشترین عملکرد دانه و روغن در تیمار تلفیقی حاصل شد. بدین‌ترتیب تغذیه تلفیقی کلزا و کاربرد توام کودهای آلی و شیمیایی ضمن کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی می‌تواند کمیت و کیفیت کلزا را ارتقاء داده و هزینه‌های تولید را کاهش دهد و آن را می‌توان گام مهمی در راستای کشاورزی پایدار تلقی نمود.

ضرایب همبستگی بین صفات اندازه‌گیری شده نشان داد که عملکرد دانه همبستگی مثبت و معنی‌دار با تعداد خورجین در شاخه‌های فرعی، تعداد خورجین در بوته، عملکرد زیست توده، شاخص برداشت و عملکرد روغن داشت (جدول ۴). که با نتایج مطالعات چن و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت دارد. این صفات می‌توانند شاخص مناسبی برای اصلاح ارقام پرمحصول کلزا بشمار آیند. ولی بر خلاف نتایج حاصل از تحقیقات دانشور (۲۰۰۸) و سلیمان زاده و همکاران (۲۰۰۶) همبستگی عملکرد دانه با تعداد دانه در خورجین و درصد روغن دانه منفی و معنی‌دار بود. چنین استنباط می‌شود که ارقام پرمحصول کلزا از درصد روغن کمتری برخوردار می‌باشند و اصلاح ارقام کلزا برای افزایش درصد روغن دانه ممکن است با کاهش عملکرد دانه توأم باشد چون سنتز روغن به انرژی بیشتری به صورت کربوهیدرات نیاز دارد. به عبارت دیگر میزان کربوهیدرات مورد نیاز برای سنتز پروتئین کمتر از روغن می‌باشد در نتیجه افزایش کود نیتروژن، سنتز پروتئین را به بهای کاهش سنتز روغن تشدید می‌کند (لامبرز و پورتر، ۱۹۹۲).

جدول ۳- مقایسه میانگین اثرات متقابل ارقام کلزا و منابع نیتروژن برای صفات اندازه گیری شده در تیمارهای مختلف\*

تیمار	عملکرد دانه (کیلوگرم بر هکتار)	زیست توده (کیلوگرم بر هکتار)	شاخص برداشت (درصد)	تعداد خورجین در ساقه اصلی	تعداد خورجین در شاخه‌های فرعی
N1V1	۲۸۵۴i	۱۰۴۷۸cd	۲۷/۲۴d	۳۲/۹۳c	۱۶۴/۸۳h
N1V2	۲۹۷۸h	۹۵۱۱e	۳۱/۳۲b	۳۱/۱۷d	۲۱۵/۶۷e
N1V3	۳۵۷۱b	۱۱۴۴۴ab	۳۱/۲۱b	۳۲/۳۷c	۲۸۵/۶۷c
N2V1	۳۱۳۰g	۱۰۵۵۶cd	۲۹/۶۵c	۲۴/۸۳f	۱۹۶/۶۳f
N2V2	۳۳۴۸e	۱۱۳۳۳b	۲۹/۵۵c	۴۳/۶۷a	۳۴۳/۸۳a
N2V3	۳۷۷۵a	۱۱۶۶۷a	۳۲/۳۶a	۳۵/۹۷b	۳۲۹/۷۳b
N3V1	۳۴۳۷d	۱۰۴۴۴d	۳۲/۹۳a	۲۴/۹۷f	۱۳۱/۸۷i
N3V2	۳۱۷۲f	۱۰۱۶۷d	۳۱/۲۰b	۲۸/۴۷e	۲۵۵/۸۷d
N3V3	۳۴۷۵c	۱۰۷۷۷c	۳۲/۲۴ab	۳۲/۶۳c	۱۸۵/۰۷g

\* حروف مشابه بعد از میانگین‌ها در هر ستون، نشان دهنده عدم وجود اختلاف معنی‌دار در سطح احتمال ۵ درصد می‌باشد.

ادامه جدول ۳-

تیمار	تعداد دانه در خورجین	وزن هزار دانه (گرم)	درصد روغن دانه	درصد پروتئین دانه	عملکرد روغن (کیلوگرم بر هکتار)
N1V1	۲۶/۵۵a	۳/۵۶c	۴۲/۷۷c	۲۴/۸۷a	۱۲۲۰h
N1V2	۲۱/۵۳d	۳/۵۹c	۴۳/۴۳a	۲۱/۶۳d	۱۲۹۳g
N1V3	۲۲/۷۵b	۳/۵۷c	۴۲/۸۷c	۲۳/۸۳c	۱۵۳۱b
N2V1	۲۶/۹۸a	۳/۴۵d	۴۳/۱۳b	۲۴/۳۷b	۱۳۵۰f
N2V2	۲۱/۰۶e	۳/۳۵e	۴۲/۱۰e	۲۰/۸۳e	۱۴۱۰d
N2V3	۲۲/۱۶c	۳/۶۶b	۴۲/۵۳d	۲۳/۶۳c	۱۶۰۶a
N3V1	۲۲/۸۹b	۳/۴۸d	۴۲/۵۷d	۲۴/۷۷a	۱۴۶۳c
N3V2	۲۱/۱۵de	۳/۴۷d	۴۳/۵۰a	۲۱/۴۷d	۱۳۸۰e
N3V3	۲۰/۲۷f	۳/۷۱a	۴۲/۲۷e	۲۴/۵۳b	۱۴۶۹c

همبستگی تعداد خورجین در بوته با عملکرد دانه و زیست‌توده، تعداد خورجین در ساقه اصلی، تعداد خورجین در شاخه‌های فرعی و عملکرد روغن مثبت و معنی‌دار و با تعداد دانه در خورجین و

درصد پروتئین دانه منفی و معنی دار بود که با نتایج امیدی و همکاران (۲۰۰۲) مطابقت داشت. در این تحقیق رقم اوکاپی با بیشترین درصد پروتئین دانه، کمترین عملکرد دانه را دارا بود، که به نظر می‌رسد افزایش پروتئین دانه در خورجین‌های اولیه از تداوم تشکیل خورجین‌های بعدی جلوگیری کرده و بدین ترتیب با کاهش تعداد خورجین در بوته سبب افت عملکرد دانه می‌شود. بعلاوه همبستگی تعداد دانه در خورجین با تعداد خورجین در شاخه‌های فرعی، تعداد خورجین در ساقه اصلی و تعداد خورجین در بوته منفی و معنی دار ولی همبستگی وزن هزار دانه با صفات فوق‌الذکر منفی و غیر معنی دار بود. در نتیجه با افزایش تعداد خورجین در واحد سطح، تعداد دانه در خورجین و وزن هزار دانه کاهش یافت. باسالما (۲۰۰۸) گزارش کرد که تعداد خورجین در ساقه اصلی و تعداد دانه در خورجین همبستگی مثبت و معنی داری نشان داد، ولی بین تعداد دانه در خورجین و وزن هزار دانه همبستگی منفی و معنی دار مشاهده گردید. محققین دیگری گزارش کرده‌اند که بین اجزای عملکرد دانه کلزا ساز و کار جبرانی وجود دارد (کومار و همکاران، ۱۹۸۷ و جنسن و همکاران، ۱۹۹۶).

عملکرد روغن همبستگی مثبت و معنی دار با عملکرد دانه، عملکرد زیست توده، شاخص برداشت، تعداد خورجین در شاخه‌های فرعی، تعداد خورجین در بوته و همبستگی منفی و معنی دار با تعداد دانه در خورجین و درصد روغن دانه داشت که با نتایج هائو و همکاران (۲۰۰۴)، احمدزاده و همکاران (۲۰۰۷) و باسالما (۲۰۰۸) مطابقت داشت. این نتایج نشان می‌دهد که کمیت و کیفیت عملکرد کلزا روند معکوس دارند و افزایش میزان روغن دانه منجر به کاهش عملکرد دانه می‌شود و بدین ترتیب به نظر می‌رسد مناسب‌ترین روش برای ارتقاء تولید روغن در واحد سطح، افزایش عملکرد دانه باشد. بنابر این هر عاملی که منجر به افزایش عملکرد دانه شود، می‌تواند به طور غیر مستقیم عملکرد روغن را نیز ارتقاء دهد و بدین ترتیب عملکرد روغن با تعداد دانه در خورجین که تأثیر معنی داری در افزایش عملکرد دانه نداشت (جدول ۲) همبستگی منفی نشان داد. در این راستا نتایج مشابهی توسط باسالما (۲۰۰۸) گزارش شده است. چنین استنباط می‌شود که عملکرد روغن بیشتر تابع عملکرد دانه و اجزای عملکرد می‌باشد و بالا بودن درصد روغن دانه برای دستیابی به عملکرد بالای روغن در واحد سطح لازم می‌باشد، ولی کافی نیست.

جدول ۴- ضرایب همبستگی بین صفات اندازه گیری شده در ارقام کلزا و منابع مختلف بیروزی

عملکرد روغن (۱۱)	درصد روغن دانه (۱۰)	درصد پروتئین دانه (۹)	شاخص برداشت (۸)	عملکرد دانه (۷)	عملکرد زیست توده (۶)	وزن هزار دانه (۵)	تعداد دانه در			تعداد خورجین		تعداد خورجین در شاخه های فرعی (۲)	تعداد خورجین بونه (۳)	تعداد خورجین اصلی (۱)	صفات اندازه گیری شده
							خورجین	خورجین	خورجین	تعداد	تعداد				
NS/۱۷	-۰/۵۸**	-۰/۴۸*	NS-۰/۲۱	NS/۲۳	۰/۵۳**	NS-۰/۰۶	-۰/۴۰*	-۰/۷۷**	۰/۷۳**	۱	۱	۱	۱	۱	
۰/۴۷*	NS-۰/۱۹	-۰/۲۲**	NS/۰/۰۳	۰/۴۷*	۰/۶۱**	NS-۰/۱۵	-۰/۴۰*	۰/۹۹**	۱	۱	۱	۱	۱	۲	
۰/۴۵*	NS-۰/۲۳	-۰/۲۱**	NS/۰/۰۱	۰/۴۶*	۰/۶۳**	NS-۰/۱۵	-۰/۳۹*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳	
-۰/۴۵*	NS/۰/۲۲	۰/۵۴**	-	-۰/۴۶*	NS-۰/۰۹	NS-۰/۲۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۴	
NS/۰/۱۷	NS-۰/۰۵	۳/۳۰*	* ۰/۳۷	NS/۰/۳۰	NS/۰/۰۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۵	
۰/۹۹**	-۰/۱۵**	NS/۰/۰۵	NS/۰/۰۲	۰/۷۵**	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶	
۰/۹۹**	-۰/۵۱**	NS/۰/۱۳	۰/۶۷**	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۷	
۰/۷۷*	NS-۰/۰۵	۱/۰/۰۰	۱	NS/۰/۰۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۸	
NS/۱۱	NS-۰/۲۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۹	
-۰/۴۱*	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۰	
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۱	

NS: غیر معنی دار \* معنی دار در سطح احتمال ۵ درصد \*\* معنی دار در سطح احتمال ۱ درصد

از طرفی عملکرد دانه تحت تأثیر عوامل محیطی و به زراعی قرار می‌گیرد (دینبروک، ۲۰۰۰). بدین ترتیب می‌توان گفت که تأثیرپذیری عملکرد روغن از عوامل محیطی بیشتر از عوامل ژنتیکی می‌باشد. در این خصوص راثو و مندهام (۱۹۹۱) معتقدند که عملکرد دانه بیشتر از عملکرد روغن تحت تأثیر عوامل محیطی قرار می‌گیرد و عملکرد روغن در ارقام مختلف کلزا بیشتر تحت کنترل ژنتیکی قرار دارد، در حالی که بوتکوت و همکاران (۲۰۰۶) عقیده دارند که محتوای روغن دانه تحت شرایط محیطی مختلف، تغییر می‌کند.

همچنین رابطه منفی بین درصد روغن و پروتئین دانه وجود داشت، که بیانگر وجود رقابت بین سنتز روغن و پروتئین دانه در کلزا می‌باشد و با نتایج باسالما (۲۰۰۸) مشابه بود. وجود رابطه منفی بین میزان روغن و پروتئین دانه توسط هائو و همکاران (۲۰۰۴) نیز گزارش شده است. این رابطه موید نتایج ارایه شده در جدول ۲ می‌باشد که روند متفاوتی از سنتز روغن و پروتئین را نشان می‌دهد. چون کودهای آلی به آهستگی آزاد شده و بتدریج در اختیار گیاه قرار می‌گیرند و نیتروژن کمتری جذب گیاه شده و در نتیجه سنتز پروتئین کاهش و درصد روغن دانه افزایش می‌یابد (روئی و همکاران، ۱۹۹۷). در تیمار کود اوره، نیتروژن بیشتری جذب گیاه شده و در نتیجه سبب افزایش پروتئین و کاهش درصد روغن دانه گردید. اثر مثبت کوددهی نیتروژن بر افزایش میزان پروتئین و کاهش درصد روغن دانه توسط محققین دیگری نیز به اثبات رسیده است (راتک و همکاران، ۲۰۰۵). به‌طور کلی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تغذیه تلفیقی از اولویت‌های مهم کشاورزی بویژه زراعت کلزا می‌باشد و این امر می‌تواند سهم بسزایی در نزدیک کردن گیاه کلزا به پتانسیل عملکرد بالقوه داشته باشد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، تغذیه تلفیقی و رقم لیکورد از حیث عملکرد دانه و روغن نسبت به سایر ارقام برتر بودند و برای زراعت کلزا در منطقه اراک و مناطق مشابه توصیه می‌شوند.

### سپاسگزاری

بدین وسیله از مسئولین محترم مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان مرکزی و ایستگاه بخش تحقیقات اصلاح و تهیه نهال و بذر و کارکنان بخش تحقیقات دانه‌های روغنی کرج تشکر و قدردانی می‌شود.

## منابع

- Ahmadzadeh, M., Samiezadeh, H. and Ahmadi, A. 2007. Evaluation of grain and oil yield, quality of oil and some important agronomic traits of rapeseed (*Brassica napus* L.) in Karaj. The 2<sup>nd</sup> Scientific Applicable Seminar of Iranian Oilseeds & Vegetable Oils. 10 August 2007, Tehran, Iran. Pp.24-34. (In Persian)
- Akbar, M., Mahmood, T., Yagub, M., Anwar, M., Ali, M. and Iqbal, N. 2003. Variability correlation and path coefficient studies in summer mustard (*Brassica juncea* L.). Asian J. Plant Sci. 2 :696-698.
- Ali, N., Javidfar, F., Jafarieh Yazdi, E. and Mirza, M.Y. 2003. Relationship among yield components and selection criteria for yield improvement in winter rapeseed (*Brassica napus* L.). Pakistan Journal of Botany. 35: 167-174.
- Ali Khan, R. and Hussain Khan, M. 2006. Organic farming – composting and its mechanism. Connecting Agri - Community for better farming. Pakistan's Largest Agri. Web.
- Ataei, M., Shiranirad, A.H. and Khoorkami, M. 2006. Assessment of some quantitative traits and response of winter rapeseed cultivars (*Brassica napus* L.) in water deficient conditions. Proceedings of the 9<sup>th</sup> Iranian Crop Sciences Congress, 27-29 August 2006, Tehran, Iran. P.541. (In Persian)
- Barker, W.B. and Sowyer, J.E. 2005. Nitrogen application to soybean at early reproductive development. Agron. J. 97: 615-619.
- Basalma, D. 2008. The correlation and path analysis of yield and yield components of different winter rapeseed (*Brassica napus* L.) cultivars. Res. J. Agric. Biol Sci. 4: 120-125.
- Butkute, B., Sidlauskas, G. and Brazaukiene, I. 2006. Seed yield and quality of winter oilseed rape as affected by nitrogen rates, sowing time and fungicide application. J. Communin Soil Sci. Plant Anal. 37: 2725-2744.
- Chango, G. and Mc Vetty, P.B.E. 2001. Relationship of physiological characters to yield parameters in oilseed rape. Canadian J. Plant Sci. 81: 1-6.
- Chen, C., Jackson, G., Neill, K., Wichman, D., Johnson, G. and Johnson, D. 2005. Determine the feasibility of early seeding canola in the Northern Great Plains. Agron. J. 97: 1252-1262.
- Cheema, M.A., Malik, M.A., Hussain, A., Shah, S.H. and Basra, S.M.A. 2001. Effects of time and rate of nitrogen and phosphorus application on growth and seed and oil yields of canola (*Brassica napus* L.). J. Agron Crop Sci. 186: 103 – 110.
- Daneshvar, M., 2008. Effects of water stress and nitrogen deficiency on quantity and quality characters and physiologic indices of two rapeseed cultivars (*Brassica napus* L.) in Khorramabad region. Ph.D Thesis, Tarbiat modares university, PP.215. (In Persian)

- Diepenbrock, W. 2000. Yield analysis of winter oilseed rape (*Brassica napus* L.): a review. *Field Crops Res.* 67: 35 – 49.
- Faraji, A. 2006. Effect of agronomic factors on yield, yield components and seed oil content of rapeseed in Gonbad. *Iranian J. Seed Plant.* 22: 277-289. (In Persian).
- Food and Agriculture Organization (FAO). 2007. Available online at <http://faostat.fao.org/site/567/default.aspx>. Accessed on 20.03.2009.
- Ghosh, P.K., Ramesh, P., Bandyopadhyay, K.K., Tripathi, K., Hati, K.M. and Misra, A.K. 2004. Comparative effectiveness of cattle manure, poultry manure, phosphocompost and fertilizer N, P, K on three cropping systems in vertisols of semi-arid tropics. Crop yield and system performance. *Bioresource Technol.* 95: 77-83.
- Gunase Kera, C.P., Martin, L.D., Siddique, K.H.M. and Walton, G.H. 2006. Genotype by environment interactions of Indian mustard (*Brassica juncea* L.) and canola (*Brassica napus* L.) in Mediterranean type environments. II. Oil and protein concentrations in seed. *Eur. J. Agron.* 25: 13-21.
- Hao, X., Chang, C. and Travis, G.J. 2004. Effect of long term cattle manure application on relation between nitrogen and oil content in canola seed. *J. Plant Nutrit. Soil Sci.* 167: 214 – 215.
- Hasanzadeh Ghortapeh, A.A. 2005. Assessment of the effects of different fertilization system on grain yield and nitrogen efficiency in some sunflower cultivars in western Azarbyjan. *Iranian J. Agric. Nat. Resour.* 12: 20-27. (In Persian)
- Jensen, C.R., Mogensen, V.O., Mortensen, G. and Fieldsen, J.K. 1996. Seed glucosinolate, oil and protein contents of field grown rape (*Brassica napus* L.) affected by soil drying and evaporative demand. *Field Crops Res.* 47: 93-105.
- Kenneth, E.L. and Johnson, B.L. 2004. Seed size and seeding depth influence on canola emergence and performance in the Northern Great Plains. *Agron J.* 96: 454-461.
- Khaliq, A., Kaleen Abbasi, M. and Hussain, T. 2006. Effects of integrated use of organic nutrient sources with effective microorganisms on seed cotton yield in Pakistan. *Bioresource Technol.* 97: 967 - 972.
- Kimber, D.S. and Mc Gregor, D.L. 1995. *Brassica oilseed: Production and Utilization.* CAB International, Oxan UK, pp. 394.
- Kramer, A.W., Timothy, A.D., Horwath, W.R. and Kessel, C.V. 2002. Combining fertilizer and organic input synchronize N supply in alternative cropping system in California. *Agric, Ecosys Environ.* 91: 233-243.
- Kumar, P.R., Arora, R.K., Yadav, R.C., Singh, N.P. and Parkash, K. 1987. Association and path analysis of economic traits in yellow sarson. *Journal of Oil Seeds Research.* 4: 257 - 260.

- Lambers, H. and Poorter, H. 1992. Inherent variation in growth rate between higher plants: a search for physiological causes and ecological consequences. *Advanced Ecological Research*. 23: 187 - 261.
- Mooleki, S.P., Schoenau, J.J., Charles, J.L. and Wen, G. 2004. Effect of rate, frequency and incorporation of feedlot cattle manure on soil nitrogen availability, crop performance and nitrogen use efficiency in east-central Saskatchewan. *Canadian Journal of Soil Science*. 84: 199 - 210.
- Omidi, H., Tahmasebi Sarvestani, Z., Salehi, A. and Fasihi, KH. 2002. Evaluation and comparison of yield and yield components of rapeseed cultivars (*Brassica napus* L.) in cold regions. Proceedings of the 7<sup>th</sup> Iranian Crop Sciences Congress, 24-26 August 2002, Karaj, Iran. P.55. (In Persian)
- Parmar, D.K. and Sharma, T.R. 1998. Integrated nutrient supply system for DPPG8, vegetable pea (*Pisum sativum* var. aravense) in dry temperature zone of Himachal Pradesh. *Indian J. Agric Sci*. 68: 247 - 253. (In Persian)
- Peltonen, J., Virtanen, A. and Haggren, E. 1995. Using a chlorophyll meter to optimize nitrogen fertilizer application for intensively managed small grain cereals. *J. Agron. Crop Sci*. 174: 309 - 318.
- Ramshwar, C. and Singh, M. 1998. Effect of FYM and fertilizer on the growth and development of maize (*Zea mays* L.) and wheat (*Triticum aestivum* L.) in sequence. *Indian J. Agric Sci*. 32: 65 - 70. (In Persian)
- Rao, M.S.S. and Mendham, N.J. 1991. Comparison of canola (*Brassica campestris* L.) and (*Brassica napus* L.) oilseed rape using different growth regulators plant population densities and irrigation treatments. *J. Agric Sci*. 77: 177-187.
- Rathke, G.W., Christen, O. and Diepenbrock, W. 2005. Effects of nitrogen source and rate on productivity and quality of winter oilseed rape (*Brassica napus* L.) grown in different crop rotations. *Field Crops Res*. 94: 103-113.
- Roshanzamir, F., Glovi, M. and Kamaraki, H. 2006. Effect of organic matter on yield and yield components of Safflower. Proceedings of the 9<sup>th</sup> Iranian Crop Sciences Congress, 27-29 August 2006, Tehran, Iran. P.277. (In Persian)
- Roul, P.K., Sarawgi, S.K., Shrivastav, G.L. and Kumar, D. 2005. Physiological response of mustard (*Brassica juncea* L.), Czern & Coss to residual and direct effects of organic and inorganic sources of nutrition. *J. Oilseed Res*. 22(2): 272-275.
- Sabahi, H. 2006. Evaluation of the integrated organic and inorganic fertilizers on biological activities, physico-chemical properties of soil and canola grain yield in Sari. Ph.D Thesis, Tarbiat Modares University, P.99. (In Persian)
- Sieling, K., Schroder, H., Hanus, H. 1998. Mineral and slurry nitrogen effects on yield, N- uptake, and apparent N-use efficiency of oilseed rape (*Brassica napus* L.). *J. Agric. Sci. Cambridge*. 130: 165-172.
- Solaimanzadeh, H., Latifi, N. and Soltani, A. 2006. Evaluation of relationship between phenologic and morphologic characters with grain yield in rapeseed



- (*Brassica napus* L.). Proceedings of the 9<sup>th</sup> Iranian Crop Sciences Congress, 27-29 August 2006, Tehran, Iran. P.277. (In Persian)
- Svecnjak, Z. and Rengel, Z. 2006. Canola cultivars differ in nitrogen utilization efficiency at vegetative stage. *Field Crops Res.* 97: 221–226.
- Taylor, A.J., Smith, C.J. and Wilson, I.B. 1991. Effect of irrigation and nitrogen fertilizer on yield, oil content, nitrogen accumulation and water use efficiency of canola. *Fertilizer Res.* 29: 249-260.
- Varavipor, M. 2006. Sustainable Management for Soil Organic Matter. Tehran University Press, P. 542. (In Persian)
- Walton, G.H. 2004. Determinates of oil concentration and seed yield in canola and Indian mustard in the lower rainfall areas of Western Australia. *Australian J. Agric Res.* 55: 367-377.
- Zhang, G. and Zhou, W. 2006. Genetic analysis of agronomic and seed quality traits of synthetic oilseed *Brassica napus* produced from interspecific hybridization of *Brassica campestris* and *Brassica oleracea*. *J. Gen.* 85 (1): 45-51.



## **Effect of Organic and Inorganic Nitrogen Sources on Quantitative and Qualitative Characteristics in Three Winter Rapeseed Cultivars in Arak**

**\*Z. Tahmasebi Sarvestani<sup>1</sup> and M. Mostafavi Rad<sup>2</sup>**

<sup>1</sup>Scientific Member of Agriculture, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran, <sup>1</sup>Ph.D. Graduated Student of Agronomy, Faculty of Agriculture, Tarbiat Modarres University and Scientific Member of Agricultural and Natural Resources Research Center of Markazi Province, Arak, Iran

Received: 2009-12-27; Accepted: 2011-2-19

### **Abstract**

In order to study the effects of organic and inorganic nitrogen sources on quantitative and qualitative characteristics of three winter rapeseed cultivars, a field experiment was carried out as factorial arrangement in complete block design with three replications in Agricultural and Natural Resources Research Center of Markazi Province, Arak, during 2008-2009 growing season. Three rapeseed cultivars (Okapi, Modena and Licord) and three sources of nitrogen (Azocompost, Urea and 50% Azocompos plus 50% Urea) comprised the experimental factors. Azocompost fertilizer was utilized before sowing time and urea fertilizer was applied at three stages including sowing time, stem elongation and before flowering. Results showed that rapeseed cultivars had significant differences for all traits. Licord cultivar had the highest seed yield, 1000-seed weight, seeds per silique in secondary branches, biological and oil yield. Also there was significant difference between nitrogen sources for all characteristics at 1% probability level. Integrated nitrogen treatment showed superiority to other treatments for siliques per secondary branches, siliques per main branch, biological yield, seed yield and oil yield. The interaction effect between nitrogen sources and rapeseed cultivars was significant for all traits at 1% probability level. Licord cultivar with integrated nitrogen treatment showed the highest biological yield, harvest index and seed yield.

**Keywords:** Azocompost; Urea; Quantitative and Qualitative Characteristic, Rapeseed

---

\*Corresponding author; Email: tahmaseb@modares.ac.ir